

آثار باستانی

آثار تاریخی فارس

بقلم آقای مهندس محمد علی منجیر

- ۱ -

مقدمه

نجد ایران در اصطلاح جغرافیائی قسمتی از قاره آسیاست که بترتیب از شمال غربی تا جنوب غربی واقع است بین جلگه کورا یا کورش، جلگه ماوراءالنهرین سیحون و جیحون، سند و پنجاب، دریای عمان و خلیج فارس و جلگه دجله و فرات. هر گوشه از این زمین پهناور صرف نظر از اوضاع طبیعی و آب و هوای مختلف و متنوع که شرحش فعلاً از مورد بحث خارج است حکایت از يك تمدن باستانی دامنه داری میکند که فحص و تحقیق در باره آنها گذشته از فواید علمی و تاریخی ما را بسر گذشت خانه آب و اجدادی خود آشنا میسازد و در عین حال برای فرزندانمان که نتوانستند یا نخواستند میراث نیاکان خویش را از دستبرد زمان و اقوام مهاجم بیگانه حفظ و حراست کنند بهترین درس عبرت و حیرت است!

آنچه تا کنون در نتیجه حفاریها و تحقیقات دانشمندان معلوم گردیده خاک فارس، شاید بیشتر بسبب استعداد و موقع خاص جغرافیائی آن، از لحاظ وجود آثار تاریخی و مدنیت های قدیمی نسبت بسایر قسمتهای نجد ایران غنی تر و کامل تر بنظر میرسد زیرا که گذشته از ابنیه باشکوه تخت جمشید و شهر پارسه و پاسارگاد و نظایر آنها که از مشهورترین آثار دوره پادشاهان هخامنشی در شمال فارس است، در نواحی مختلفه جنوب فارس نیز آثار باستانی قابل ملاحظه ای یافت میشود که تا کنون

تحقیقات و حفریاتی در باره آنها چنانکه باید بعمل نیامده و غالباً بعلت دوری و خارج بودن از شوارع عمومی و عدم ارتباط کامل با آبادیهای کنونی پای جهانگردان و محققین خارجی حتی ایرانیان علاقه مند و اهل تحقیق هم کمتر بآن نقاط رسیده است و معلوم نیست چه وقت و با کدام دست حقتشناس این گنجهای گرانبها که نمره عمر و محصول هزاران سال کار و کوشش ایرانیان قدیم است از زیر توده های خاک بدر آید و درجه هنرمندی و تمدن واقعی نژاد پاک ایرانیان را بجهانبیان اعلام دارد ضمناً بنسل پرهدعی و کم کار حاضر بفهماند که ما چه بوده ایم و چه شده ایم!

باری مقصود از نگارش این سطور که بامر و اشاره استاد بزرگوار جناب آقای اقبال مدیر محترم مجله یادگار صورت گرفته طرح راهنمای مختصریست از آثار تاریخی فارس بمنظور نشان دادن مواقع جغرافیایی و تعیین فواصل و محل وقوع آنها نسبت بقری و قصبات معموره امروزی، چه آنها که تا بحال مورد حفاری و کاوشهای علمی قرار گرفته چه آناریکه تا کنون فقط کشف و مورد توجه علمای آثار قدیمه واقع شده است.

بنا براین مابرتیب آثار قدیمه هر ناحیه را تا آنجا که حوصله خوانندگان محترم مجله شریفه یادگار اجازت دهد شرح میدهیم.

بلوک مرو دشت از شمال محدود است ببلوک مائین و کمین، از مشرق ببلوک ارسنجان، از جنوب بکربال و حومه شیراز و از مغرب ببلوک را مجرد. آثار تاریخی مشهوری که در بلوک مزبور واقع شده بقرار ذیل است:

۱ - تخت جمشید

خرابه تخت جمشید که بقرار تحقیقات محققین خارجی از جمله آقای آندره گدار از بقایای کاخ داریوش اول پادشاه هخامنشی است در دامنه کوه مشهور به «رحمت» قرار گرفته و حالیه جاده شوسه بین شیراز و اصفهان از کنار آن میکندرد باین ترتیب که

جاده مزبور پس از گذشتن از پل خان^۱ که اول خاک مرو دشت است بعد از طی شانزده کیلومتر بجلو پلکان بزرگ تخت جمشید میرسد.

محوطه‌ای که ابنیه^۲ مختلفه تخت جمشید در آن واقع شده و از مشرق محدود است بکوه خشک خاکستری رنگ رحمت (ارتفاع قلل آن ۲۶۶۱ متر) که بشکل نیمدایره بر صفحه تخت جمشید محیط بوده در شمال و جنوب بدو دماغه منتهی میشود و دماغه اولی به «پوزه تخت جمشید» شهرت دارد و در سمت مغرب خرابه های تخت جمشید جلگه بالنسبه هموار مرو دشت واقعست.

۲ - شهر پارسه

شهر پارسه که مورخین یونان «پرسپولیس» خوانده اند و بعد از اسلام به «شهر استخر» شهرت یافته در اراضی مرو دشت فعلی و در جلو تخت جمشید واقع بوده. این شهر از دره شمالی کوهپائیکه در سمت مشرق صفت تخت جمشید است تا دره جنوبی آن وسعت داشته و هم اکنون آناری از بقایای شهر مزبور در پایین و مجاورت تخت جمشید دیده میشود.

بنای شهر پارسه بطوریکه اخیراً معلوم گردیده با ابنیه تخت جمشید در يك زمان شروع گردیده و بنیاد آنرا در حدود ۵۴۰ سال پیش از میلادی میدانند. مرحوم حاجی میرزا حسن فسائی صاحب فارسنامه ناصری (چاپ طهران ۱۳۱۳ قمری) توصیف قابل ملاحظه‌ای از این شهر کرده که قسمتی از عبارات آن عیناً در اینجا نقل میشود:

«شهر استخر که آنرا اصطخر نیز گویند و در نقشه های قدیم و جدید فرنگی

۱ - پل خان از بناهای امامقلیخان بیگلر بیگی فارس در عصر شاه عباس صفویست بانی مدرسه مشهور بمدرسه خان در شیراز نیز همین شخص بوده.

۲ - برای شرح خصوصیات و مشخصات فنی ابنیه تخت جمشید رجوع شود بدو کتاب نفیس و ذقیمت آثار عجم و فارسنامه ناصری و همچنین نوشته های مسیو گدار و راهنمای تخت جمشید که اخیراً آقای حسین بهیری تألیف کرده اند.

برس پلیس نکارند و باینتخت پادشاهان کیان بود در این بلوک است (یعنی بلوک مرو دشت) و استخر تالاب بزرگ و آبگیر بزرگرا گویند. چون در این شهر گوهی است که آنرا دز استخر و قلعه استخر گویند و بر سر آن کوه تالاب بزرگی است این شهر را بنام تالاب استخر گفتند. وسعت درازا و پهنای شهر استخر در فارس مشهور است که يك دروازه آن جلو در است و دیگری جلوگیر و دروازه دیگر تنگ فاروق و دیگرش در ملتقای رودخانه پرداب و رودخانه را مجرد که اکنون مشهور پیل خان است بوده و اگر این خبر حقیقت داشته باشد همان درازا و پهنای این بلوک مرو دشت محوطه شهر اصطخر است ...

۳ - نقش رجب

از تخت جمشید بطرف شمال شرقی فاصله تقریباً سه کیلومتر در تنگه ای از کوه رحمت که شرح آن گذشت نقش رجب واقع شده و در آنجا سه مجلس برسینه کوه حجاری کرده اند .

مرحوم فرصة الدوله (کتاب آنار عجم چاپ ۱۳۱۴ قمری) صورتهای مزبور را در ضمن نقاشی بتفصیل شرح داده و از جمله مینویسد :

« پس از هفتمین روز از تخت جمشید حرکت نموده رفتم در تنگی که آنجا را نقش رجب گویند و نقش قهرمانش نیز خوانند و آن تنگ در همان کوه رحمت است که تخت جمشید در پایان آن واقع شده » .

۴ - نقش رستم

شامل نقوش و کتیبه هائی از سلاطین ساسانی است و چهار قبر از پادشاهان هخامنشی نیز در آنجاست در پنج کیلومتری تخت جمشید، در کوه حاجی آباد واقعست حد فاصل بین این کوه و کوه رحمت رودخانه سیوند یا بلوار است .

کوه حاجی آباد که جالیه بمناسبت قریه حاجی آباد باین اسم شهرت یافته

بگفته صاحب آثار عجم سابقاً آنرا تپه شاهی مینامیده‌اند و قطعه‌ای از آن کوه که نقش رستم بر آن حجاری شده آق تپه (سفید تپه) خوانده میشود .

۵ - تخت طاوس

واقعت در سر راه شیراز باصفهان تقریباً درشش کیلومتری شمال شرقی تخت جمشید که گویا از بقایای همان شهر پارسه باشد .

بلوک مشهد این بلوک باسای مختلفه مثل مشهد ام‌النبی و مشهد

مرغاب مادر سلیمان و مشهد مرغاب خوانده میشود از شمال و مشرق

محدود است بلوک قونقری ، از جنوب بلوک کمین و از سمت مغرب بسرحد چهاردانکه و مرکز قصبه مرغاب یا مشهد مرغابست .

شهر پاسارگاد (بتلفظ یونانی) که در زمان فرمانروائی کوروش پایتخت او بوده در جنوب غربی مرغاب و در شصت کیلومتری شمال شرقی تخت جمشید واقع شده و حالیه جاده شوسه بین شیراز و اصفهان از چهار کیلومتری شرقی آن میکنند .

۱ - آرامگاه کوروش

در بلوک مشهد مرغاب آثار خرابه های شهر پاسارگاد بسیار است از جمله قبر کوروش کبیر پادشاه هخامنشی است که در بین اهالی بقبر مادر سلیمان شهرت دارد .

استاد بارتولد در باب این قبر مینویسد :

« بعضی ها نقش برجسته‌ای را که با صورت بالدار و بتقلید مجسمه های آشوری ساخته شده است بملاحظه کتیبه ای که در بالای آن واقع است صورت کوروش دانسته‌اند .

« برخی دیگر مانند پوستی بوجه اعتراض اظهار میکنند که ممکن نبوده است

که در زمان کوروش چنین صورتی ساخته شود ، کتیبه فقط دلالت بدان دارد که کوروش بانی آن عمارت است ^۱ .

۲ - تخت سلیمان

یکی دیگر از آثار تاریخی مشهور در مشهد مرغاب تخت سلیمان است که در قسمت شمال شرقی آرامگاه کوروش واقع شده و آن احتمال دارد از بقایای ساختمان ارگی باشد ولی تا آنجا که نگارنده دسترسی بمطالعه نوشته های مؤلفین داخلی و سیاحان خارجی پیدا کرده در باب تخت سلیمان و همچنین تخت طاوس که دو موضع بالنسبه مشهور تاریخی است تحقیقات علمی دقیق و قابل استنادی ندیده است و در نقشه ضمیمه یکی از مقالات سر اورل اشتین در باب آثار تاریخی فارس که بعد در جای خود از آن نام خواهیم برد ، این دو محل با همین تلفظ بدون ذکر مشخصات فنی ترسیم و ثبت گردیده است .

از جمله آثار تاریخی این حدود « قلعه بهرام » در ده بید جزء بلوک قونقری است .

ده بید حالیه در یکصد و هفت کیلومتری شمال تخت جمشید و نود و یک کیلومتری جنوب شرقی آباده اقلید واقع شده و جاده شوسه بین شیراز و اصفهان از وسط آبادی مزبور میگذرد .

بلوک بوانات از بلوکات سرد سیر فارس محدود است از شمال و مشرق بخاک یزد (ابرقوه و شهر بابک و غیرها) ، از جنوب و مغرب ببلوکات آباده طشک و سر چاهان و قونقری .

بوانات مشتمل بر چندین پارچه آبادی و مرکز آنها قصبه سوریان مشهور به بوانات است . در این بلوک نیز آثار تاریخی فراوان از آنجمله دز گبری واقع

تقریباً در پنج کیلومتری شمال شرقی قریه منج و همچنین در خود قصبه سوریان و حوالی قریه مزایجان یافت میشود که تا کنون ظاهراً حفريات و تحقیقات علمی و تاریخی در باره آنها بعمل نیامده است.

بوانات را حالیه عامه مردم فارس «بونات» میخوانند و در باب این اسم صاحب فارسنامه ناصری مینویسد :

«بوانات در اصل بونات است یعنی بهره ها، برای آنکه بون بهره و حصه باشد و آت نشانه جمع است.»

ولی در فارسنامه ابن بلخی که مابین سالهای ۵۱۰ - ۵۲۰ هجری تألیف شده بصورت بوان (با الف) ضبط گردیده و در ذیل عنوان بوان و مروست میگوید :

«بوان شهرکی است با جامع و منبر، مروست با آن رود، و میوه بوم است چنانکه درختان آن مانند بیشه است و باعمال کرمان نزدیک است و هوای آن معتدلست و آبهای روان دارد و آبادانست.»

در باب اینکه املاي صحیح نام این محل «بوان» یا چنانکه عامه تلفظ میکنند «بون» است چون در استنساخ فارسنامه ابن البلخی ممکن است تحریفاتی بخصوص در اسامی اعلام جغرافیائی رخ داده باشد نمیتوان اظهار نظر قطعی کرد اما مطلب قابل ذکر اینست که علاوه بر قدمت تاریخی بوانات معلوم میشود که سابقاً مروست جزء بوانات فارس بشمار میرفته در حالیکه امروز جزء خاک بزد شمرده میشود و هم اکنون در مروست قلعه و حصارى قدیمی بنام «نارنج قلعه» موجود است.

شهر شیراز و حومه شهر شیراز حاکم نشین ایالت فارس است و این ایالت فعلاً باصطلاح اداری استان هفتم محسوب میشود. عرض جغرافیائی شیراز تقریباً بیست و نه درجه و سی شش دقیقه و بیست ثانیه و طول آن پنجاه و دو درجه و سی

سه دقیقه (شرقی گرینویچ) است^۱ و در فاصله پنجاه و هفت کیلومتری جنوب غربی تخت جمشید و دو بیست و پنج کیلومتری شمال شرقی بندر بوشهر (طول جاده شوسه) واقع شده.

بنای شهر شیراز را عموم مورخین قدیم و جدید بمحمد بن یوسف برادر حجاج بن یوسف ثقفی بسال هفتاد و چهار هجری نسبت میدهند و نیز مؤید این بیان تحقیقات هیئت علمی موزه متروپولیتن نیویورک است که در سالهای اخیر در خرابه قصر ابونصر حفاریاتی بعمل آورده اند و چنین حدس میزنند که پیش از بنای شیراز در

۱ - چون در اینجا سخن از مختصات جغرافیایی شیراز بمیان آمد بی مناسبت ننیداند که توضیحاتی در این باب بعرض خوانندگان محترم برساند:

خطوط و ارقام عرض و طول شهرهای ایران که در نقشه های فرنگیان و دایره المعارفهای خارجی ترسیم و ثبت گردیده اکثر تقریبی و غیر قابل اعتماد است زیرا نقشه برداریهایی که بمقیاس مختلف از نواحی و شهرهای ایران از تقریباً یکصد سال باینطرف بوسیله مأمورین سیاسی و نظامی یا هیئت های علمی خارجی بعمل آمده و غالباً هم نقل و اقتباس از یکدیگر است دارای مبنای صحیح علمی نجومی و ژئودزی نبوده است یعنی مطابق اصول مثلث بندی و تشکیل شبکه ژئودزی که تا قبل از متداول شدن نقشه برداری هوایی معمول به عموم اروپائیان بوده و انگلیسیها نیز در نقشه برداری هندوستان معمول داشته اند صورت نگرفته و نقشه های موجود فعلی ایران بالسنه فرانسه و روسی و انگلیسی و آلمانی غالباً سواد نقشه هایست که جهانگردان و مأمورین خارجی آن هم برای مقاصد خاص و منظور های معین با اسباب ساده و کم دقت از قبیل قطب نمای مساحی و قدم شمار و امثال آنها برداشته اند و از طرفی آلات و ابزار زاویه گیری و تعیین فواصل بدرجه دقت و صحت اسباب امروزی نبوده است. بدیهی است تا وقتی که ما دارای رصدخانه و هیئت های فنی منظمی برای نقشه برداری مملکتی با آخرین طریقه علمی و آلات و ادوات جدید نشویم گذشته از بدست نداشتن عرض و طول صحیح بلاد ایران حتی از داشتن يك نقشه کوچک جغرافیایی ایران هم که از تمام جهات علمی قابل اعتماد باشد محرومیم تا چه رسد بوجود نقشه های کامل و مشروح از جزئیات و عوارض خاک پهناور ایران که سالها وقت و مبالغ گزافی مغایر لازم دارد. راستی جای کمال تأسف است که با وجود این همه مهندسین اروپادیده و دکتران ذوفنون در علوم ریاضی برای نقشه برداری یکی از مرکز فرهنگی خویش که از ذکر نام آن فعلاً بجبهاتی مذکورم از آنجا که آقایان شخصاً تخصصی در این رشته فنی نداشته و ندارند خواه ناخواه متوسل بهمان مهندسین نقشه بردار شدند که تحصیلات و رشته تخصصی آنانرا هنوز بر طبق مقررات دانشگاه برسیست نمیشناسند.

حوالی قصر ابونصر فعلی شهری بوده که در لشکر کشیهای اسلام رو بویرانی گذاشته و پس از آن شهر بمحل کنونی شیراز انتقال و بنیاد یافته و احتمال دارد نام شیراز هم مأخوذ از نام همان شهر باشد.

بهر حال شیراز یکی از شهرهای قدیمی فارس است و در داخل شهر و اطراف آن آثار و ابنیه مهمه بسیاری متعلق بدوره های بعد از اسلام باقی است و چنانچه فرصتی بدست آید در پایان این مقاله که منظور از آن شرح آثار تاریخی قبل از اسلام است درباره آنها نیز مختصری بعرض خوانندگان گرامی خواهد رسانید.

بلوک حومه شیراز از سمت شمال محدود است ببلوک بیضا و راهجرد و مرودشت، از مشرق بکریال، از جنوب ببلوک سروستان و سیانخ و کوار و از مغرب ببلوک کوه مره.

طول خاک حومه شیراز از آبادی خلار تا مهابلو در حدود یکصد کیلومتر و عرض آن بطور متوسط از قصبه زرقان تا قریه شاهپور جان چهل کیلومتر است. در اطراف شیراز و جزء حومه شهر یکصد آثار تاریخی از ادوار ماقبل اسلام یافت میشود که مشهورترین آنها بقرار ذیل است:

۱ - قلعه بندر

واقعست بر فراز کوه سمت مشرق شیراز مشرف بر باغ دلگشا که تا شهر در حدود چهار کیلومتر فاصله دارد.

این قلعه یکی از قلاع بسیار قدیمی فارس است که در اغلب کتب قدیمه ذکر آن آمده از آن جمله در کتاب نفیس حدود العالم است که در ضمن توصیف شیراز می نویسد:

«اندر وی یکی قهندز است قدیم سخت استوار آنرا قلعه شه موبد؛ خوانند و اندر وی دو آتینب است که آنرا بزرگ دارند... چاپ طهران - ص ۷۷».

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد محلی نظیر چاه قلعه بندر شیراز در تنگ خوارفسا

نیز موجود است که بعد شرح آن خواهد آمد و در باب جغرافیای تاریخی و نام صحیح قلعه بندر شیراز رجوع شود بمقاله محققانه استاد جلیل جناب آقای قزوینی در شماره هفتم از سال دوم مجله شریقه یادگار .

۲ - قصر ابونصر

درشش کیلومتری شرقی شیراز بر بالای کوه کم ارتفاعی که رشته آن از مقابل آرامگاه سعدی و کوه قلعه بندر شروع و بطرف شمال دریاچه نمک (مهارلو) ممتد شده است . بطوری که آقای دکتر بهمن کریمی در رساله «راهنمای آثار تاریخی شیراز» تألیف خویش که بتازگی بچاپ رسانیده اند مینویسند در سال ۱۳۱۱ شمسی موزه متروپولیتن نیویورک از دولت ایران برای حفاری در قصر ابونصر تحصیل اجازه کرده و هیئتی مرکب از چند نفر مدت دو سال و چند ماه مشغول حفاری و تجسسات علمی در آنجا بوده اند و نتیجه تحقیقات و اکتشافات خود را بصورت گزارشی در آورده اند که قسمتی از آن در راهنمای آثار تاریخی شیراز نقل شده است .

۳ - برم دلك

در چهار کیلومتری شرقی قصر ابونصر و تقریباً در دو فرسنگی جنوب شرقی شیراز واقع شده و آن عبارتست از استخر آبی در دامنه کوه که از آب چشمه تشکیل یافته و اطراف آن بیشه زار است و در پشت استخر یعنی در کمر کوه چهار تصویر حجاری شده است .

در باب چگونگی و صاحبان نقوش که آیا متعلق بعصر هخامنشی یا ساسانیست تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد علاوه بر شرحیکه صاحب آثار عجم^۱ داده و سایرین

۱ - مرحوم فرساة الدوله با توصیف و معرفی آثار تاریخی شیراز و فارس که تا قبل از او حتی اکثر ایرانیان از وجود این آثار و ابنیه بی خبر بوده اند بزرگترین خدمت تاریخی را بنسل معاصر انجام داده است زیرا که باستانشنای آثاریکه تاکنون در زیر توده های خاک پنهانست و احتیاج بحفاری و کاوشهای علمی دارد کمتر از آثار قدیمه است که آن مرد هنرمند و اهل تخصص و تحقیق با تحمل رنج سفر آن هم با عدم وسایل و محدود بودن دائره معلومات بخصوص اطلاعات ایرانشناسی در آنروز از نزدیک مورد مطالعه دقیق قرار نداده باشد .

نیز از آن کتاب بعینه نقل کرده‌اند و همچنین مقاله‌ای که آقای نیکلا راست در دو سال قبل در این باب نوشته‌اند (شماره ۶ و ۷ سال سوم مجله یادگار)

از نویسندگان داخلی و محققین خارجی تحقیقات علمی جامعی در باب تصاویر برم دلك بنظر نمیرسد (برم در اصطلاح کشاورزان جنوب بسدهای موقتی گفته میشود که در موقع آبیاری با گل و خاک و خاشاک در جلوی جوی آب می بندند و بمعنای چشمه هم آمده است).

بلوک کازرون از شمال محدود است بخاک همسفی، از مشرق ببلوک کوه مره (کوه مره شکفت حد فاصل بین حومه شیراز و کازرون است)، از جنوب ببلوک جرّه (مغرب کره) و قسمتی از بلوک خشت و از مغرب ببلوک خشت و ماهور میلانی مرکز این بلوک قصبه کازرون است که تا شیراز از طریق جاده شوسه شیراز و بوشهر یکصد و بیست و سه کیلومتر فاصله دارد.

۱ - شاپور

خرابه شاپور^۱ که مرکز کوره یا خوره شاپور فارس بوده در سه فرسنگی شمال غربی کازرون و در مقابل تنگ چوگان واقع شده و خرابه های این شهر تا چند فرسخ بالاتر از تنگ بطور پراکنده باقی است. ^{طاعات مذهبی} از وسط تنگ چوگان شعبه‌ای از رودخانه‌ای بنام شاپور میگذرد و طرفین تنگ چند مجلس حجاری برجسته مربوط بدوره پادشاهان ساسانی موجود است. موضوع تصاویر مزبور بر طبق تحقیقات تاریخی که بعمل آمده از اینقرار است:

۱ -- « شاپور را چون بازی نویسند و اصل آن بی شاپور است تخفیف را بی از آنت بیفکنده و شاپور نویسند و بنای این شهر بروزگار قدیم طهمورث کرده بود بوقتی کمی در پارس جز اصطخر هیچ شهری نبود و نام آن در آنوقت دین دلا بود و چون ذوالقرنین به پارس آمد آنرا خراب کرد چنانکه پست شد پس چون نوبت پادشاهی بشاپور بن اردشیر رسید آنرا از نو بنا کرد و عمارت آنرا بجای آورد و نام خویش بر آن نهاده است.» (فارسنامه ابن بلخی ص ۱۱۶)

در يك مجلس فتح شاپور اول را نسبت بوالرین نشان میدهد که سیر یادیس را امپراطور روم نموده و والرین که بزانو در آمده بحکم اجبار بامپراطور جدید تعظیم و تکریم میکند.

در مجلس دیگر که باز فتح شاپور را نسبت بوالرین نشان میدهد صورت شخصی است که بزانو در آمده و بین اهور مزدا و شاپور اول واقع است تاجبخشی هر مز را بهرام اول نشان میدهد و بگمان بعضی این شاه نرسی است، بهرام دوم و رئیس اردوی او را که نسبت بدشمن فتح بوده نشان میدهد که بتصور بعضی از محققین این مجلس راجع بمطیع شدن ساتراپی سیستان است، مجلسی است که شخصی روی روی کرسی نشسته از طرف راست او هفت نفر انگشت برینی نهاده و از طرف چپ شش نفر در حال توقیر ایستاده اند. در قسمت پائین اشخاصی ایستاده اند که بعضی از آنها تقریباً دست بسینه و برخی دست بسته اند و اسبی هم با زین در اینجاست چون کتیبه ای نیست نمیتوان دانست که این مجلس حاکی از چه واقعه ایست (شرح این مجالس بطور خلاصه عیناً از تاریخ ایران باستان تألیف مرحوم حسن مشیرالدوله پیرنیا نقل گردید ولی مرحوم فرصه الدوله شیرازی علاوه بر مجالس مزبور که آنها را بتفصیل در کتاب آثار عجم شرح داده و صورتها را جزء بجزء نقاشی کرده است مجلسی را در سمت راست مجلس اخیر الذکر نشان میدهد که بزعم او جلادی دوسر بریده را از نظر پادشاه میگذزاند، طفلی پهلوی میر غضب ایستاده با دست خود دامان او را گرفته و در پشت سر آن طفل شخص دیگری که بنظر میرسد او هم جلاد باشد سر بریده ای را آورده و در عقب سر جلاد چهار نفر ایستاده اند که احتمال دارد جزء سپاهیان باشند... در پایان شرح مجالس مزبور. مرحوم فرصت این مجلس را مربوط بهمان قضیه فتح شاپور اول و اسیری والرین میشمارد (کتاب آثار عجم ص ۲۹۰)

از تنگ چوگان که تقریباً باندازه چهار کیلومتر بطرف شمال شرقی یش بروند در دست چپ بر بالای کوه، شکفت و مجسمه شاپور اول قرار گرفته است.

۲ - کتیبه سر مشهد

بطوریکه در مرداد ماه سال جاری خیر آن در روزنامه اطلاعات منتشر گردید آقای ریچارد فرای استاد دانشگاه هاروارد در آمریکا که اخیراً از طرف دانشگاه مزبور برای مطالعه و استنساخ بعضی از کتیبه های تاریخی بایران آمده اند مسافرتی بفارس کرده و در مراجعت با اداره کل باستانشناسی ایران اطلاع داده اند که در یکی از نقاط تابعه کازرون بنام سر مشهد^۱ بزرگترین کتیبه بزبان پهلوی ساسانی وجود دارد که تا کنون متن یا ترجمه آن منتشر نشده است.

در محل مزبور یک عده از نقوش برجسته ساسانی وجود دارد که عکس و شرح آنها سابقاً بوسیله مستشرقین دیگر انتشار یافته و پروفیسور هرتسفلد اشاره بوجود کتیبه ای در این محل نموده لکن توضیحی در باره آن نداده است و اینک آقای دکتر فرای قصد دارند برای عکس برداری و استنساخ کامل آن مجدداً بسر مشهد بروند.

بعلاوه چنانکه از طرف مدیر محترم مجله یادگار در ذیل مقاله آقای فرای راجع بمرحوم هرتسفلد (شماره ۲۰۱ و ۲۰۲ سال ۵) باین موضوع اشاره گردیده کتیبه سر مشهد پنج متر طول و دو متر و نیم عرض دارد و از جهت تفصیل بزرگترین کتیبه هائیمست که تا کنون بخط پهلوی بدست آمده، بانی این کتیبه موبدان موبد عهد شاپور اول و پادشاهان بعد از اوست.

بهر صورت چنانچه ترجمه متن کامل و سایر خصوصیات تاریخی آن در دسترس مطالعه عموم قرار گیرد احتمال دارد بسیاری از نکات مبهم تاریخ ایران مربوط بقبل از اسلام روشن و معلوم گردد.

۱ - قریه سر مشهد که این اوقات بفلط جزء بلوک و توابع کازرون بشمار میرود در فارسنامه ناصری که جامع ترین و معتبر ترین تألیفات قرون اخیر در تاریخ و جغرافیای فارس است جزء بلوک جره یا گره نام برده شده و آن در هفده کیلومتری جنوب غربی قصبه جره (اشفایقان) واقع است و این ایام اهالی فارس بلوک جره را با بلوک کوچک دیگری موسوم به فامور (بامور) در یکجا نام برده بر روی هم «جره و فامور» میخوانند

فیروز آباد فارس بلوک فیروز آباد که آخر نواحی سردسیر فارس و اول گرمسیر و حالیه مرکز اصلی رؤسای طوایف قشقائست از شمال محدود میباشد بلوک خواجه ای، از مشرق بلوک میمند، از جنوب بمحال اربعه و از مغرب بلوک فراشبند. مرکز این بلوک قصبه فیروز آباد است که نام اصلی آن بقول اکثر مورخین گورا (معرش جور) بوده و خرابه شهر قدیم که در نیم فرسنگی فیروز آباد کنونی واقع است این اوقات بهمان اسم شهرت دارد.

از بقایای شهر گور مناری است که در طرف شمال غربی قصبه فیروز آباد قرار گرفته و مزارع اطراف آنرا «ده شهر» مینامند و نیز پایه های سنگی از باقیمانده شهر در مجاورت منار موجود است که بین اهالی مشهور به «تخت اردشیر» است. تقریباً در دوازده کیلومتری جنوب و مشرق فیروز آباد دو محل بفاصله پنج شش کیلومتر از یکدیگر بنام «تل ریگی» و «تل سبز» واقع شده و بقرارت تحقیقات سر اورل اشتین^۲ حاکی از آثار قدیمه است.

۱ - در وجه تسمیه فیروز آباد بعضی نوشته اند که چون فیروز شاه آن شهر را تجدید بنا کرده نام خود را بر آن گذاشته و ظاهراً این قول بی اساس است ولی بطوریکه امروز هم در افواه شهرت دارد این تغییر اسم بامر امیر عضدالدوله دیلمی صورت گرفته و صاحب فارسنامه ناصری هم تفصیل قضیه را چنین مینویسد: «مشهور است که امیر عضدالدوله دیلمی در سال چندین بار از شیراز بشهر گور میرفت، ظرفای شیراز گفتند هر آدمی یکبار بگور رفته بر نمیگردد، پادشاه ما در سالی چندین بار بگور رفته زنده باز گردد و این سخن برای اینست که گور بمعنی قبر هم باشد و عضدالدوله فرمود هر کس بعد ازین این شهر و بلوک را گور بگوید بمؤاخذه خواهد رسید، باید شهر و بلوک را فیروز آباد گویند و تا کنون فیروز آباد گویند.»

از اینجام معلوم میشود که عمل تغییر دادن اسامی و اعلام جغرافیائی و لغت سازی حسب الامر از بدست فرهنگستان اخیراً شروع گردیده در تاریخ ایران بی سابقه نبوده است!

۲ - Sir Aurel Stein عالم مشهور که از اتباع انگلیس بود در باره آثار تاریخی بلوچستان و نواحی جنوب شرقی ایران تحقیقاتی کرده و کتابی نیز در این باب دارد تقریباً در حدود چهارده سال قبل مسافرتی بمنظور مطالعات تاریخی بنواحی جنوب (بقیه پاورقی در صفحه بعد)

فاصله بین فیروزآباد و شیراز یکصد و شانزده کیلومتر است و در حال حاضر راه اتومبیل رواز پل فسا واقع در هشتاد و یک کیلومتری شیراز بدو شعبه شده یکی بسمت فسا و دیگری بطرف فیروزآباد می آید و از جاده فیروزآباد نیز شعبه ای در محل موسوم به «باباحاجی» بیست و چهار کیلومتری شمال پل کوار جدا شده بجهرم ولار و بندر لنگه می رود و بالأخره راه فیروزآباد پس از عبور از تنگاب از مقابل قلعه دختر و نقش رستم و آنسنگه که ذیلاً ذکر آنها بیاید گذشته بقصه فیروزآباد منتهی می شود.

۱- تنگاب

در بلوک خواجه ای سابق الذکر رودخانه ایست بنام بابل که آبش از چشمه مورد است و پس از اتصال بآب چشمه زنجیران با نام رودخانه هنیفکان بلوک خواجه ای را مشروب ساخته سپس از تنگه مشهور بتنگاب گذشته وارد جلگه فیروزآباد می شود. در دست چپ تنگاب (منظور سمت جریان آبست) بر بالای کوه آثار بنای بسیار قدیمی یافت می شود که حالیه در بین عامه مشهور بقلعه دختر است ولی در باب تاریخ بنا و اینکه متعلق بکدام دوره از ادوار ماقبل اسلام است تا کنون در کتب و نوشته های متأخرین نظریه قطعی و مسلمی نگارنده ندیده است. تنها تحقیقات قابل ملاحظه ای که شاید مراد نویسنده از آن همین قلعه دختر باشد دیده شده از بارتولد مستشرق دانشمند روسی است. وی پس از شرح بالنسبه مفصلی که در باره کوره

(بقیه پاورقی از صفحه قبل)

فارس از قبیل فیروزآباد و فسا و جهرم نموده و ضمناً نقشه ای از خط سیر مسافرت خویش و محل آثار تاریخی بعضی از آن نواحی بوسیله محمد ایوب خان هندی که بمیت او بوده ترسیم کرده است.

جا داشت که اداره باستانشناسی یا ادارات مربوطه دیگر جزء سایر پولها تیکه بجای بیجا صرف میکنند، اعتباری هم برای مطالعات مقدماتی و نقشه برداریهای اکتشافی از آثار و ابنیه قدیمه در نظر میگرفت تا بمعیت هیئت های علمی خارجی یا مستقلاً نقشه بردارانی نقشه آن نقاط و نواحی را که حتی اسم و محل وقوع بسیاری از آنها برا کثر مردم با سواد این کشور هم هنوز مجهول است تهیه و ترسیم کنند زیرا! این عمل گذشته از فواید علمی و اهنماینست برای کسانی که علاقه بمطالعه و شناسایی آثار گذشته گان دارند.

اردشیر و شهر جور و آتشکده برزین (در نسخه فارسی کتاب جغرافیای تاریخی استاد بارتولد بارین نوشته شده و احتمال دارد که در ترجمه یا چاپ تحریف شده باشد) داده از آنجمله مینویسد:

«بفاصله يك فرسخ از هر شهر باغات و قلاع کشیده شده ، بر روی کوه در سمت شرقی شهر قصری از بناهای ساسانی با بام گنبد وار محفوظ مانده و بقیده یوستی قصر مزبور در قرن پنجم میلادی در محل قصر اردشیر بنا شده است ...»
 باندازه دو کیلومتر که از محاذات قلعه دختر در طول راه شوسه طی شود در دست چپ جاده شش صورت برسطح ای از کوه حجاری شده که این اوقات بنقش رستم مشهور است و گویا این اسم را اخیراً اهالی محل بر آن گذارده اند زیرا تقریباً در پنجاه سال قبل که مؤلف آثار عجم آن محل را مشاهده و نقاشی کرده نامی از نقش رستم نبرده است . باز چند کیلومتر پایین تر از صورت مزبور در دهانه تنگاب نقوش برجسته ای حجاری گردیده که تفصیل آنها فعلاً موجب طول کلام است .

۳ - خمپ آتشکده

محل این آتشکده در شش کیلومتری شمال غربی قصبه فیروزآباد و در کنار راه فیروزآباد بیند بوشهر است . خمپ آتشکده در حقیقت چشمه ایست که از آنجا آب فوران نموده تشکیل آبخیزی میدهد و در مجاورت خرابه های آتشکده ای قرار گرفته است .

نام این آتشکده که قبلاً هم اشاره شده بطوریکه نگارنده از يك نفر بالنسبه با اطلاع و اهل تحقیق ساکن فیروزآباد شنیده ام در قدیم موسوم « آذر برزین » بوده ولی این قول تا چه حد صحیح باشد البته احتیاج بتحقیقات تاریخی بیشتری دارد .